

زان پیش تر که عالم فانی شود خراب ولاتموتن

حافظ « غزلیات »

غزل شماره ۳۹۶

صبح است ساقیا قدحی پرشراب کن

دور فلک درنگ ندارد شتاب کن

زان پیشتر که عالم فانی شود خراب

ما را ز جام باده گلگون خراب کن

خورشید می ز مشرق ساغر طلوع کرد

گر برگ عیش می طلبی ترک خواب کن

روزی که چرخ از گل ما کوزه‌ها کند

زنهار کاسه سر ما پرشراب کن

ما مرد زهد و توبه و طامات نیستیم

با ما به جام باده صافی خطاب کن

کار صواب باده پرستیست حافظا

برخیز و عزم جزم به کار صواب کن